



سرشناسه: ملکی، سید ابراهیم، ۱۳۴۶-
 عنوان و نام پدیدآور: سیر تاریخی غدیر و جانشینان انبیاء الهی ﷺ و جانشینی
 رسول اکرم ﷺ / مؤلف سید ابراهیم ملکی، مرتضی فدایی اصفهانی.
 مشخصات نشر: قم: نورالامین، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.؛ ۲۱/۵/۱۴×۵/۵ س.م.
 شابک: ۲۴۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۲۲-۷۱۵۶-۱۵-۷
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۷] - ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع: غدیر خم
 موضوع: Ghadir
 موضوع: علی بن ابی طالب ﷺ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق
 -- اثبات خلافت
 موضوع: *Proof of caliphate -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661
 موضوع: محمد ﷺ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- خطبه‌ها
 موضوع: *Public speaking -- Muhammad, Prophet
 شناسه افزوده: فدایی اصفهانی، مرتضی، ۱۳۵۴-
 رده بندی کنگره: BP ۲۲۳/۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۵۶۰۱۱۶

سیر تاریخی غدیر و جانشینان انبیاء الهی ﷺ و جانشینی رسول اکرم ﷺ

مؤلف: سید ابراهیم ملکی و مرتضی فدایی اصفهانی

چاپ اول: ۱۳۹۹ ش / ۱۴۴۲ ق

ناشر: نورالامین

● چاپ: چاپخانه دیجیتال المصطفی ﷺ ● قیمت: ۲۴۰۰۰۰ ریال ● شمارگان: ۵۰۰

با تشکر از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

- مدیر انتشارات: مصطفی نویخت
- ناظر گرافیک: مسعود مهدوی
- مدیر تولید: جعفر قاسمی ابهری
- ناظر فنی: سید محمد رضا جعفری

pub.nooralamin@gmail.com

همه حقوق برای ناشر محفوظ است

هرگونه نسخه برداری اعم از کپی برداری و بازنویسی و انتشار، اسکن، ذخیره کامپیوتری، ترجمه به زبان‌های دیگر و ساخت فایل صوتی کتاب، بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع، شرعاً حرام و از طریق مراجع قانونی، قابل پیگیری است.

شماره تماس:

همراه: ۰۹۰۱۵۸۲۱۷۶۳ / خط ثابت: ۰۲۵۳۷۸۳۹۳۰۹ داخلی ۴۱۱ و ۲۱۰

سیر تاریخی غدیر

و جانشینان انبیاء الهی ﷺ

و جانشینی رسول اکرم ﷺ



سید ابراهیم ملکی

مرتضی فدایی اصفهانی

معارف اسلامی ناب، نیاز بشر تشنه معنویت امروز است. در این دوران، که بسیاری آن را عصر پایان جهان می‌دانند، گرایش به دین و معنویت، سرعتی شگفت یافته است. در این میان، اسلام بیشترین سهم را از این گرایش به دین دارد و چرا چنین نباشد؟ اسلام، دین انسانی زیستن، عدالت‌پروری و عشق به هم‌نوع است و بشر این عصر، این گوهر گمشده را در اسلام ناب یافته است.

از سوی دیگر، گسترش پُرشتاب رسانه‌ها و ابزارهای انتشار اطلاعات، بی‌وقفه موجب پدید آمدن پرسش‌ها و شبهات جدیدی می‌شود که تا اندکی پیش از این، هیچ‌یک از آنها قابل تصور نبود. این انفجار اطلاعات، به‌ویژه در دنیای مجازی، اغلب فرصت ژرف‌اندیشی را از انسان سلب می‌کند و همین موجب شناخت نادرست یا ناقص از بسیاری امور، به‌ویژه مفاهیم و معارف دینی می‌گردد.

بنابراین، تبلیغ و نشر مؤثر معارف اسلامی ناب، رسالت خطیری است که بر عهده همه متولیان این امر می‌باشد. بدون تلاش خالصانه و آگاهانه برای رسیدن به این هدف، پتانسیل عظیمی که در گرایش بشر به معنویت در این عصر پدید آمده است، به هدر خواهد رفت.

نشر «نورالامین»، به سهم خود می‌کوشد تا بخش اندکی از رسالت عظیم نشر معارف اسلامی ناب را به بهترین شکل ممکن انجام دهد و در این راستا از پیشنهادها و انتقادهای همه فرهیختگان این عرصه، برای غنا بخشیدن به آثار خود استقبال می‌کند.

پیش‌گفتار

خدای متعال را سپاس‌گزاریم که در دهه‌های اخیر به برکت انقلاب اسلامی، پژوهش‌های مؤثر و ماندگاری در زمینه غدیر و اثبات حقانیت مکتب تشیع صورت گرفته است. هرچند تمام تلاش‌های صورت‌گرفته تاکنون، ارزنده و قابل استفاده هستند، اما به نظر می‌رسد از زاویه سیر تاریخی و بررسی موارد مشابه، کمتر به موضوع غدیر پرداخته است، در اثر حاضر که به همت پژوهشگران جامعه المصطفی العالمیه نمایندگی اصفهان سامان یافته است، سعی گردیده تا به نمونه‌های تاریخی معرفی جانشین در بین انبیاء الهی اشاره گردد. همچنین سابقه تلاش‌های پیامبر اکرم ﷺ در معرفی امام علی علیه السلام به عنوان جانشین خویش و سیر این اعلام ترسیم شده و با تطبیق آن بر خطابه شریف غدیر نشان داده شده است که تمام تلاش‌های پیامبر اکرم ﷺ در این راه، در این خطبه شریف تجلی یافته است.

از همه اساتید گرانقدر حجج اسلام؛ حسن حق شناس، حمید الهی دوست، دکتر ابراهیم رضایی آدریانی، سید عبدالله موسویان، محمدرضا کاظمی که در خلق این اثر همکاری نمودند، به‌ویژه دکتر مرتضی فدایی

اصفهانى عضو هیئت علمى جامعة المصطفى ﷺ كه در اصل تألیف
بیشترین همت را گماردند صمیمانه تشکر و قدردانى نمایم. ان شاء الله
همه عزیزان تحت عنایات خاص مولى الموحدين حضرت امیرالمؤمنین
امام على ؑ بوده باشند.

سید ابراهیم ملکى

ذی الحجة الحرام ۱۴۴۱ هـ ق

مردادماه ۱۳۹۹ ش

فهرست

- مقدمه ۱۱
- بخش اول: جانشینی پیامبران از دیدگاه آموزه‌های دینی و تاریخ ۱۳
- حضرت آدم علیه السلام ۱۳
- حضرت نوح علیه السلام ۱۴
- حضرت موسی علیه السلام ۱۵
- حضرت عیسی علیه السلام ۱۶
- خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله ۱۶
- پیشینه مخالفت با اوصیای پیامبران ۱۷
- بخش دوم: سیر اعلام جانشینی امیر مؤمنان امام علی علیه السلام ۱۹
۱. حدیث روز هشدار ۱۹
۲. احادیث وصایت ۲۱
- الف) دوازده وصی ۲۲
- ب) وجوب اطاعت از اوصیا ۲۲
۳. احادیث وراثت ۲۳
۴. احادیث خلافت ۲۵
- الف) جانشین پیامبر پس از او ۲۶
- ب) خاصف النعل ۲۷
۵. حدیث منزلت ۲۸

۳۰. ترور شخصیت _____
۳۱. ۶. احادیث امارت _____
۳۲. الف) راهبر به صراط مستقیم _____
۳۳. ب) امیر نیکوکاران _____
۳۳. ۷. احادیث امامت _____
۳۵. ۸. احادیث ولایت _____
۳۶. الف) علی، ولیّ هر مؤمن _____
۳۶. ب) شواهد تاریخی کاربرد واژه «ولیّ» در معنای ولیّ امر _____
۳۷. ج) جلوه ولایت در آیات قرآن _____
۳۸. ۹. احادیث هدایت _____
۳۹. ۱۰. احادیث علم _____
۴۱. ۱۱. حدیث دوازده جانشین _____
۴۶. ۱۲. حدیث سفینه _____
۴۸. ۱۳. حدیث ثقلین _____
۵۰. ۱۴. حدیث غدیر _____
۵۳. الف) علامه امینی رحمته الله علیه و الغدیر _____
۵۳. ب) واقعه غدیر به نقل از علامه امینی رحمته الله علیه _____
۵۶. آخرین تلاش‌های پیامبر برای تعیین جانشین _____
۵۶. الف) درخواست برگه و دوات _____
۵۷. ب) روانه کردن سپاه اسامه _____
۵۹. بخش سوم: تجلی تلاش‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر _____
۵۹. ۱. تجلی حدیث یوم الانذار در خطبه غدیر _____
۶۰. ۲. تجلی حدیث وصیت در خطبه غدیر _____
۶۱. ۳. تجلی حدیث وراثت در خطبه غدیر _____
۶۲. ۴. تجلی حدیث خلافت در خطبه غدیر _____
۶۳. ۵. تجلی حدیث منزلت در خطبه غدیر _____

۶. تجلی احادیث امارت در خطبه غدیر ۶۴
۷. تجلی حدیث امامت در خطبه غدیر ۶۵
۸. تجلی احادیث ولایت در خطبه غدیر ۶۷
- اول) تأکیدات مکرر بر وجوب ولایت پذیری (۴۰ مرتبه) ۶۷
- دوم) دلایل وجوب ولایت پذیری (۲۴ مورد) ۷۲
- انعکاس احادیث هدایت در خطبه غدیر ۷۶
۱۰. تجلی احادیث علم در خطبه غدیر ۷۷
۱۱. تجلی احادیث دوازده جانشین در خطبه غدیر ۷۸
۱۲. تجلی حدیث سفینه در خطبه غدیر ۹۲
۱۳. تجلی حدیث تقلید در خطبه غدیر ۹۵
۱۴. تجلی موضوع مهدویت در خطبه غدیر ۹۶
- الف) ذکر نام آخرین امام و وصی (۶ مرتبه) ۹۸
- ب) ظهور آخرین امام و ویژگی های ایشان (۳۴ جمله) ۹۹
- وظایف تبلیغی و آموزشی، درمورد خطابه غدیر (۲۱ مورد) ۱۰۳
- کتابنامه ۱۰۷

مقدمه

تجلی نور بی مانند «غدیر» روشن تر از آن است که گذر زمان بتواند از تابندگی آن کم کند یا شعاع آن را فروکاهند. به عکس، هر چه بشر بالنده تر می شود، به زوایای نوینی از غدیر پی می برد.

پژوهش پیش رو با نظر داشت اختصار و با استناد به منابع فریقین، دو مهم را واکاوی می کند: یکی جانشینان انبیای پیشین و دیگری تلاش های بی وقفه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای معرفی امام علی علیه السلام به عنوان ولی مؤمنان.

هدف از طرح موضوع اول، اثبات این حقیقت است که غدیر و معرفی جانشین توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گرچه امری معقول و ضروری بوده، در سیره پیامبران گذشته نیز سابقه داشته و اقدام جدیدی نبوده است. موضوع دوم نیز پاسخ به این باور نادرست است که پیامبر در طول ۲۳ سال نبوت خود، از معرفی جانشین غافل بوده و در ماه های پایانی عمر شریف خود به این موضوع توجه نموده است! هرگز چنین نبوده؛ بلکه آن حضرت در مناسبت های مختلف و با عبارات و کلمات متعدد و غیرقابل تأویل به این موضوع پرداخته اند؛ به گونه ای که حتی اگر غدیر هم نبود، اقدامات قبلی آن حضرت حجت را بر همگان تمام کرده است. با توجه به آن که

پژوهش حاضر در چهار بخش سامان یافته دو موضوع اول در بخش اول و دوم منعکس شده است و در بخش سوم نشان داده شده است که تمام تلاش‌های پیامبر اکرم ﷺ در طول مدت رسالت و اعلام جانشین خویش، در خطابه گران‌سنگ غدیر تجلی است. در بخش چهارم کتاب، متن خطبه غدیر آورده شده است که جهت بهره‌برداری بیشتر نکاتی تقدیم می‌گردد؛ اطلاعات مربوط به متن خطبه:

الف) متن اصلی از کتاب «احتجاج علی اهل اللجاج» طبرسی مجلد اول صفحه ۵۸ تا ۶۷ است.

ب) مواردی که در پرانتز قرار گرفته مربوط به منابعی غیر از کتاب احتجاج می‌باشد که منبع در پاورقی ذکر گردیده است.

ج) در خطبه شریف غدیره ۶ مرتبه تعبیر «مَعَاشِرَ النَّاسِ» آمده است. البته در مرتبه دوم و پنزدهم به جای تعبیر «مَعَاشِرَ النَّاسِ»، تعبیر «ایها النَّاسِ» آمده است، که این موارد در بخش چهارم کتاب با شماره مشخص گردیده است و موجب تسهیل استناددهی مطالب بخش سوم گردیده که در پاورقی‌ها آدرس بخش مورد نظر از خطبه آورده شده است، همچنین خطبه شریف به ۱۴ بخش تقسیم شده و برای هر بخش عناوین مناسبی اصطیاد گردیده است.

د) با توجه به آن‌که در خطبه شریفه آیات متعددی از قرآن مورد استناد قرار گرفته است، آیات مورد نظر در متن با فونت مجزا مشخص گردیده و در پاورقی‌ها آدرس آیات ذکر شده است.

ه) ترجمه از کتاب خطابه غدیر تألیف محمدباقر انصاری است که اندکی در آن تصرف شده و مواردی که درکروشه قرار گرفته جهت روان‌تر شدن ترجمه، به متن اضافه گردیده است.

بخش اول

جانشینی پیامبران از دیدگاه آموزه‌های دینی و تاریخ

پیامبر خدا ﷺ در روایتی فرمود: خداوند متعال ۱۲۴ هزار پیامبر داشت که من سرور و برترین و گرامی‌ترین آنان نزد خداوند عز و جل هستم و هر پیامبری وصی‌ای دارد که به امر خداوند که یادش بلند باد، او را وصی قرار می‌دهد و وصی من، علی بن ابی طالب، سرور و برتر و گرامی‌ترین اوصیا نزد خداوند عز و جل است.^۱

حضرت آدم ﷺ

پیامبر خدا ﷺ فرمود: آدم از خدای عز و جل خواست که وصی صالحی برای او قرار دهد؛ پس خداوند به او وحی کرد که: «من، پیامبران را با نبوت، گرامی داشتم؛ سپس جمعی را از میان خلقم برگزیدم و برگزیدگان آن‌ها را اوصیا قرار دادم. ای آدم! شیث را وصی قرار بده»، و آدم پسرش شیث را که همان هبه‌الله بود، وصی قرار داد.^۲

۱. «عنه ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ؛ أَنَا سَيِّدُهُمْ وَأَفْضَلُهُمْ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَلِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيٌّ أَوْصَى إِلَيْهِ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ، وَإِنَّ وَصِيَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَسَيِّدُهُمْ وَأَفْضَلُهُمْ وَأَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ». (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۵۴۰۷).

۲. «(رسول الله ﷺ: إِنَّ أَدَمَ ﷺ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ وَصِيًّا صَالِحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ

حضرت نوح ﷺ

امام صادق ﷺ می‌فرماید: نوح پانصد سال پس از توفان زیست. سپس جبرئیل [از جانب پروردگارا] به نزدش آمد و گفت: «ای نوح! نبوت تمام شده و روزگارت به سر آمده است. حال، اسم اکبر، میراث علمی و آثار علم نبوتی را که با خود داری، به پسر ت سام بسپار؛ چرا که من زمین را و انمی‌گذارم، جز این که در آن عالمی باشد که به وسیله او طاعت و هدایت شناخته شود و در فاصله میان وفات یک پیامبر تا بعثت پیامبر بعدی، نجات بخش باشد و مردم را جز با حجّتی برای خودم و دعوتگری به سویم و هدایتگری به راهم و دانایی به کارم، و انمی‌گذارم؛ زیرا من حکم کرده‌ام که برای هر قوم، هدایتگری قرار دهم که با او سعادت‌مندان را هدایت کنم و او حجّتم بر شقاوت‌مندان باشد».

پس نوح، اسم اکبر و میراث علمی و آثار علم نبوت را به سام سپرد؛ اما نزد حام و یافث، علمی که از آن بهره جویند، نبود.

نوح آنان را به هود بشارت و به پیروی از او فرمان داد و به آنان دستور داد تا هر ساله وصیت را بگشایند و در آن بنگرند و این [روز بازگشایی]، عید آنان باشد.^۱

إِلَيْهِ: إِنِّي أَكْرَمْتُ الْأَنْبِيَاءَ بِالنَّبُوءَةِ، ثُمَّ اخْتَرْتُ مِنْ خَلْقِي خَلْقًا وَجَعَلْتُ خِيَارَهُمُ الْأَوْصِيَاءَ. فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ إِلَيْهِ: يَا آدَمُ أَوْصِ إِلَى شَيْثٍ. فَأَوْصَى آدَمُ ﷺ إِلَى شَيْثٍ وَهُوَ هَبْءُ اللَّهِ بْنِ آدَمَ». (كمال‌الدین: ص ۲۱۲، ح ۱، الأمالی للطوسی: ص ۴۴۲، ح ۹۹۱).

۱. «الإمام الصادق ﷺ: عاش نوح ﷺ بعد الطوفان خمس مائة سنة، ثم أتاه جبرئيل ﷺ فقال: يا نوح، إنّه قد انقضت نبوتك، واستكملت أيامك، فانظر إلى الاسم الأكبر وميراث العلم وأثار علم النبوة التي معك، فادفعها إلى ابنك سام، فإنّي لأترك الأرض إلّا وفيها عالمٌ تُعرَفُ به طاعتي، ويُعرَفُ به هداي، ويكونُ نجاهاً فيما بين مَقْبُضِ النَّبِيِّ وَمَبْعَثِ النَّبِيِّ الْآخِرِ، ولم أكن أتركُ الناسَ بغيرِ حجّةٍ لي، وداعٍ إليّ، وهداي إلى سبيلي، وعارِفٍ بأمرِي، فإنّي قد قصّيتُ أن أجعلَ لكلِّ قومٍ هادياً أهدي به السُّعداء، ويكونَ حجّةً لي على الأشقياء».

حضرت موسی علیه السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: موسی، یوشع بن نون را وصی قرار داد و یوشع بن نون، فرزند هارون را وصی قرار داد و پسر خود و پسر موسی را وصی نکرد؛ چرا که انتخاب، با خداوند متعال است و از میان مردمان، هر کس را بخواهد، برمی‌گزیند.^۱

در کتاب تاریخ یعقوبی چنین آمده است: و چون وفات موسی علیه السلام نزدیک شد، خدای عز و جل به او فرمان داد که یوشع بن نون را که از تیره یوسف بن یعقوب علیه السلام بود، به قبه زمان^۲ درآورد و تقدیسش کند و دستش را بر بدن او بگذارد تا برکت در آن راه یابد و او را وصی قرار دهد تا پس از وی، در میان بنی اسرائیل کار را برعهده بگیرد. پس موسی علیه السلام چنین کرد و چون موسی علیه السلام درگذشت، یوشع از پس او کار را در بنی اسرائیل برعهده گرفت.^۳

قال: فَدَفَعَ نُوْحٌ عليه السلام الاسمَ الْأَكْبَرَ وميراثَ الْعِلْمِ وَأَثَرَ عِلْمِ التَّيْبُوَّةِ إِلَى سامٍ، وَأما حاتمٌ وَيافِثُ فَلَمْ يَكُنْ عِنْدَهُمَا عِلْمٌ يَنْتَفِعَانِ بِهِ.

قال: وَبَشَّرَهُمْ نُوْحٌ عليه السلام بِهَوْدٍ عليه السلام، وَأَمَرَهُمْ بِاتِّبَاعِهِ، وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَفْتَحُوا الوَصِيَّةَ فِي كُلِّ عَامٍ، وَيَنْظُرُوا فِيهَا وَيَكُونُوا عِيداً لَهُمْ». (الكافي، ج ۸، ص ۲۸۵، ح ۴۳۰).

۱. «الإمام الصادق عليه السلام: أوصى موسى عليه السلام إلى يوشع بن نون، وأوصى يوشع بن نون إلى ولده هارون ولم يوصي إلى ولده ولا إلى ولد موسى، إن الله تعالى له الحيرة، يختار من يشاء بمن يشاء». (الكافي، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳).

۲. قبه زمان، معبد گنبدی شکل بنی اسرائیل بوده است که موسی و هارون علیهما السلام آن را در صحرای «تیه» و به فرمان خداوند بنا کردند. برخی (مانند کفعمی)، آن را همان «بیت المقدس» می‌دانند و برخی (مانند فرید وجدی) آن را همانند «قبة الشهادة» دانسته‌اند که خیمه‌ای از کتان بود و تابوت عهد را با آن می‌پوشاندند (ر. ک: بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۱۱۹، دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۷، ص ۶۰۲، به نقل از دانش نامه امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ؛ ج ۴؛ ص ۵۸۱).

۳. «وكان موسى لما حَضَرَتْهُ وَفَاتُهُ أَمَرَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُدْخِلَ يوشعَ بْنَ نونٍ وَكانَ يوشعُ بْنُ

حضرت عیسیٰ ﷺ

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: عیسیٰ بن مریم، شمعون بن حمون صفا را وصی خود قرار داد.^۱ همچنین فرمودند: عیسیٰ بن مریم به آسمان، بُرده شد، در حالی که از قوش پیمان گرفته بود که به وصیّش شمعون بن حمون صفا، وفادار بمانند.^۲

امام علیؑ می فرماید: یهود، هفتاد و یک فرقه شدند: هفتاد فرقه از آنان در آتشند و فرقه‌ای که نجات یافته، در بهشت است و آن، فرقه‌ای است که از یوشع بن نون، وصیّ موسیؑ، پیروی کرد، و مسیحیان، هفتاد و دو فرقه شدند: هفتاد و یک فرقه در آتشند و یکی در بهشت است و آن، فرقه‌ای است که از شمعون، وصیّ عیسیٰ ﷺ، پیروی کرد.^۳

خاتم پیامبران ﷺ

در کتاب فضائل الصحابة به نقل از انس بن مالک آمده است: به سلمان

نون من شعب یوسف بن یعقوب إلى قُبّة الرّمان، فَيَقْدَسَ عَلَيْهِ، وَيَضَعُ يَدَهُ عَلَى جَسَدِهِ لِتَتَحَوَّلَ فِيهِ بَرَكَتُهُ، وَيُوصِيَهُ أَنْ يَقُومَ بَعْدَهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ، فَفَعَلَ مُوسَى ذَلِكَ، فَلَمَّا مَاتَ مُوسَى قَامَ يَوْشَعُ بَعْدَهُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ...» (تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۴۶).

۱. رسول الله ﷺ: «أوصى عيسى بن مريم إلى شمعون بن حمون الصفا». (كمال الدين: ص ۲۱۳، ح ۴۴۳، ص ۴۹۱).

۲. «عنه ﷺ: لقد رُفِعَ عيسى بن مريم إلى السماء، وقد عاهد قومَه على الوفاء لوصيّه شمعون بن حمون الصفا». (معاني الأخبار: ص ۳۷۲، ح ۱).

۳. «الإمام عليؑ: افتقرت اليهود على إحدى وسبعين فرقة: سبعون منها في النار، وواحدة ناجية في الجنة وهي التي اتبعت يوشع بن نون وصي موسىؑ. وافتقرت النصارى على اثنتين وسبعين فرقة: إحدى وسبعون فرقة في النار، وواحدة في الجنة وهي التي اتبعت شمعون وصي عيسى ﷺ». (الأمالی للطوسی: ص ۵۲۳، ح ۱۱۵۹).

گفتیم: از پیامبر ﷺ پرس که وصیِّش کیست؟ سلمان پرسید: ای پیامبر خدا! وصیِّ تو کیست؟ فرمود: «سلمان! وصیِّ موسی که بود؟». گفت: یوشع بن نون. فرمود: «بی‌گمان وصیِّ و وارث من که بدهی مرا ادا می‌کند و وعده‌هایم را تحقّق می‌بخشد، علی بن ابی طالب است»^۱.

در روایت دیگری رسول خدا ﷺ حضرت علی را جانشین خویش در حیات و پس از وفات خویش معرفی فرمودند: ای علی! در حیات و پس از وفاتم، تو جانشین من بر امت هستی. تو برای من، مانند شیث برای آدم و سام برای نوح و اسماعیل برای ابراهیم و یوشع برای موسی و شمعون برای عیسی هستی.^۲

پیامبر خدا ﷺ: من سرور پیامبرانم و علی بن ابی طالب، سرور اوصیاست. اوصیای پس از من، دوازده نفرند که نخستین آن‌ها، علی بن ابی طالب و آخرینشان قائم است.^۳

پیشینه مخالفت با اوصیای پیامبران

پیامبر خدا ﷺ هنگامی که خدای عز و جل نازل کرد: «به پیمانم وفا کنید؛

۱. «فضائل الصحابة عن أنس بن مالك: قُلْنَا لِسَلْمَانَ: سَلِ النَّبِيَّ ﷺ مِنْ وَصِيَّتِهِ؟ فَقَالَ لَهُ سَلْمَانُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ وَصِيَّتُكَ؟ قَالَ: يَا سَلْمَانُ، مَنْ كَانَ وَصِيَّ مُوسَى؟ قَالَ: يُوْشَعُ بْنُ نُونٍ. قَالَ: فَإِنَّ وَصِيَّيَّ وَوَارِثِي، يَقْضِي دِينِي، وَيُنْجِزُ مَوْعُودِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ». (فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۱۵، ح ۱۰۵۲).

۲. «عنه ﷺ: يَا عَلِيُّ، أَنْتَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي، وَأَنْتَ مَتِّي كَشِيثٍ مِنْ آدَمَ، وَكَسَامٍ مِنْ نُوحٍ، وَكَإِسْمَاعِيلَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ، وَكَيُوشَعَ مِنْ مُوسَى، وَكَشَمْعُونَ مِنْ عِيسَى». (الأمالی للصدوق: ص ۴۵۰، ح ۶۰۹).

۳. «رسول الله ﷺ: أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ، وَإِنَّ أَوْصِيَائِي بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، أَوْلَهُمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَخْرَجَهُمُ الْقَائِمُ ﷺ». (كمال الدين: ص ۲۸۰، ح ۲۹).

به پیمانتان وفا می‌کنم» (سوره بقره، آیه ۴۰)، فرمود: به خدا سوگند که آدم ﷺ از دنیا رفت و از قومش بر وفای به فرزندش شیث، پیمان گرفته بود؛ اما به او وفادار نماندند و نوح از دنیا رفت و از قومش بر وفای به وصیش سام، پیمان گرفته بود؛ اما امتش وفا نکردند و ابراهیم از دنیا رفت و از قومش بر وفای به وصیش اسماعیل پیمان گرفته بود؛ اما امتش وفا نکردند و موسی از دنیا رفت و از قومش بر وفای به وصیش یوشع بن نون، پیمان گرفته بود؛ اما امتش وفا نکردند و عیسی به آسمان برده شد و از قومش بر وفای به وصیش شمعون بن حمون صفا، پیمان گرفته بود، اما امتش وفا نکردند.

و من به زودی از شما جدا می‌شوم و از میانتان می‌روم، و از اتمم درباره علی بن ابی طالب پیمان گرفتم؛ اما آنان نیز روش امت‌های پیشین را در مخالفت با وصی من و سرپیچی از او در پیش می‌گیرند. آگاه باشید که من پیمانم را درباره علی، با شما تجدید می‌کنم. پس هرکس پیمان شکنند. «هر کس به آنچه با خدا پیمان بسته، وفا کند، [خداوند] به زودی پاداشی بزرگ به او می‌بخشد». (فتح، آیه ۱۰).^۱

۱. «رسول الله ﷺ لَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ﴿وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أَوْفَ بِعَهْدِكُمْ﴾ (بقره، آیه ۴۰): وَاللَّهِ لَقَدْ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الدُّنْيَا وَقَدْ عَاهَدَ قَوْمَهُ عَلَى الْوَفَاءِ لَوْلَدِهِ شِيثَ فَمَا وُفِيَ لَهُ، وَلَقَدْ خَرَجَ نُوْحٌ مِنَ الدُّنْيَا وَعَاهَدَ قَوْمَهُ عَلَى الْوَفَاءِ لَوْصِيهِ سَامَ فَمَا وَفَتَ امَّتُهُ، وَلَقَدْ خَرَجَ إِبْرَاهِيمُ مِنَ الدُّنْيَا وَعَاهَدَ قَوْمَهُ عَلَى الْوَفَاءِ لَوْصِيهِ إِسْمَاعِيلَ فَمَا وَفَتَ امَّتُهُ، وَلَقَدْ خَرَجَ مُوسَى مِنَ الدُّنْيَا وَعَاهَدَ قَوْمَهُ عَلَى الْوَفَاءِ لَوْصِيهِ يُوْسَعَ بْنَ نُونٍ فَمَا وَفَتَ امَّتُهُ، وَلَقَدْ رُفِعَ عِيسَى بِنُ مَرْيَمَ إِلَى السَّمَاءِ وَقَدْ عَاهَدَ قَوْمَهُ عَلَى الْوَفَاءِ لَوْصِيهِ شَمْعُونَ بْنَ حَمَّوْنَ الصَّفَا فَمَا وَفَتَ امَّتُهُ. وَإِنِّي مُفَارِقُكُمْ عَنْ قَرِيبٍ وَخَارِجٍ مِنْ بَيْنِ أَظْهُرِكُمْ، وَقَدْ عَاهَدْتُ إِلَى امَّتِي فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَإِنَّهَا الرَّابِيعَةُ سُنَنٌ مِنْ قَبْلِهَا مِنَ الْأَمَمِ فِي مُحَالَفَةِ وَصِيِّ وَعَصِيَانِهِ، أَلَا وَإِنِّي مُجَدِّدٌ عَلَيْكُمْ عَهْدِي فِي عَلِيٍّ، فَمَنْ نَكَتَ فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ ﴿وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسْئُوتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح، آیه ۱۰) ... (معانی الأخباب: ص ۳۷۲، ح ۱).